

الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین

الیاس نادران^{*} / حسن آقا نظری^{**} / سیدرضا حسینی^{***}

چکیده

امروزه الگوهای متعارف تأمین اجتماعی سرمایه‌داری با چالش‌های فراوانی از جمله بحران‌های عمیق مالی مواجه‌اند. بروز این چالش‌ها، تدوین الگوی تأمین اجتماعی اسلامی را به ضرورتی اساسی تبدیل نموده است. در این تحقیق این فرضیه را مطرح می‌کنیم که می‌توان با به کارگیری روش تاریخی، الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام را کشف و پس از الغاء خصوصیات عصری آن، به الگوی مناسبی برای جوامع امروزی دست یافت. یافته‌های تحقیق که به روش تحلیل تاریخی انجام شده نشان می‌دهد در صدر اسلام الگوی متمایز و موفق از تأمین اجتماعی وجود داشته است. این الگو متضمن ویژگی‌های برجسته‌ای چون: جامعه محوری (به جای دولت محوری)، استحقاق‌گرایی (به جای عام‌گرایی)، محله محوری (به جای تمرکزگرایی)، عدم دوگانگی کسورات مالیات و تأمین اجتماعی بوده است که توجه به آنها در طراحی الگوهای نوین تأمین اجتماعی به حل مشکلات موجود کمک خواهد کرد.

کلید واژه‌ها: تأمین اجتماعی، تکافل اجتماعی، صدر اسلام، عدالت اجتماعی، اقتصاد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: P36, H5, I3.

مقدمه

تأمین اجتماعی در جوامع امروزی، بر پایه اهداف، منابع و راهبردهای معینی استوار گردیده است. سازمان بین‌المللی کار در تعریف تأمین اجتماعی می‌گوید: «تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کار افتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد» (مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸، ص ۶).

مفهوم و محتوای تأمین اجتماعی در طول یک قرن اخیر با تحولاتی همراه بوده است. در ابتدای پیدایش این مفهوم، تأمین اجتماعی برنامه‌ای برای حمایت از افرادی بود که از عهده فراهم کردن نیازهای زندگی عادی خود بازمی‌ماندند. در این دوره، تأمین اجتماعی مفهومی نزدیک به بیمه‌های اجتماعی داشت. پس از جنگ جهانی دوم، نیازهای اولیه انسان‌ها در زمینه‌های بهداشت، غذا، پوشاک، مسکن، حمل و نقل و سوخت، مورد توجه قرار گرفت و دولت موظف به تأمین حداقل‌ها برای همه کسانی گردید که قادر به تأمین آن نبودند و به تدریج، عنوان «تأمین اجتماعی»، جایگزین «بیمه‌های اجتماعی» گردید (رک: موسوی، ۱۳۹۱).

در چند دهه اخیر، به جای تلاش برای ارتقای وضع اقتصادی برخی افراد جامعه، تا حد نزدیک شدن به سطح قابل قبول، بر ارتقای شرایط و کیفیت زندگی برای مجموعه جامعه تأکید می‌شود. در این دوره، تأمین اجتماعی به مفهوم تکامل یافته‌ای از رفاه اجتماعی نزدیک گردید و تا حد برقراری نظام فراگیر بهداشت و درمان، خدمات آموزش ملی، معافیت‌های مالیاتی، قوانین حداقل دستمزد، تضمین خرید محصولات کشاورزی، طرح‌های ساخت و تأمین مسکن، پرداخت یارانه‌های مصرفی و تولیدی توسعه پیدا کرد. موارد تحت پوشش تأمین اجتماعی، با توجه به سطح توسعه یافتگی و قوانین و تعاریف خاص کشورها متفاوت است. بنابراین، دستیابی به یک فهرست جامعی از آن‌ها، که مورد اتفاق همه کشورها باشد، مشکل است (رک: طالب، ۱۳۶۸، ص ۴۹).

صرف‌نظر از اصل اندیشه تأمین اجتماعی، الگوهای رایج آن به لحاظ بسیاری از ویژگی‌ها بر پایه تحولات و اقداماتی شکل گرفته که پس از رنسانس توسط دولت‌های اروپایی به وجود آمد. بی‌گمان ظهور اصل این اندیشه و تحول الگوهای عملیاتی آن در طول تاریخ، دارای سابقه‌ای طولانی است. یکی از فرازهای تاریخی که مطالعه آن چگونگی پیدایی اندیشه تأمین اجتماعی و نقش ادیان الهی در این زمینه را روشن می‌کند، تاریخ صدر اسلام است. این مقاله، تجربه تاریخی صدر اسلام (از آغاز ظهور تا

زمان عمر بن عبدالعزیز) در زمینه تأمین اجتماعی را به روش تاریخی معرفی می‌کند. آنچه در این مقطع از تاریخ اتفاق افتاده است، حاوی برخی ویژگی‌های محیطی و عصری است. این جنبه از برنامه‌های تأمین اجتماعی در هر عصری، متناسب با اوضاع علمی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی حاکم، قابل تحول و تکامل است. اما فارغ از این ابعاد و اقتضات عصری، بسیاری از ابعاد قابل تعمیم نیز وجود دارد که حاوی تجربیات ارزشمندی برای طراحی سیاست‌های اجتماعی در سایر ادوار تاریخی است.

پیشینه تحقیق

در ادبیات موجود در خصوص بیمه‌های تجاری و راهبردهای حمایتی تأمین اجتماعی و موضوعات پیرامونی آن مانند عدالت اجتماعی، فقر و انفاق پژوهش‌های گوناگون به عمل آمده است. در خصوص پژوهش‌های ناظر بر کلیت تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام نیز آثاری از رفیق یونس المصری، محمد نجات الله صدیقی، عبدالله ناصح علوان، محمد ابوزهره، علی باقری و ضیاء الدین کیاء الحسینی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، محمدحسن محمدی‌مهر و دیگران منتشر گردیده است. بسیاری از این تحقیقات، در مواجهه با الگوی تأمین اجتماعی معاصر رویکردی تأییدی داشته و یا صرفاً به بیان برخی تمایزات الگوی تأمین اجتماعی اسلام پرداخته‌اند. مناسب‌ترین نظریه در باب اندیشه تأمین اجتماعی در اسلام، توسط شهید صدر در اواخر کتاب *اقتصادنا* مطرح شده و نکته اساسی آن، تأکید بر مسئولیت مردم به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی تأمین اجتماعی است. در میان این آثار، تحقیقی که به‌صورت مبنایی، در صدد معرفی الگوی مستقل و روزآمد تأمین اجتماعی اسلامی باشد، مشاهده نمی‌شود. در زمینه مطالعه الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و استخراج نکات قابل تعمیم آن به الگوهای تأمین اجتماعی معاصر نیز مطالعه‌ای صورت نگرفته است.

مبانی الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام

در شبه جزیره عصر جاهلی، الگوی متشکلی برای تأمین و یا تکافل اجتماعی وجود نداشت. مؤثرترین عامل در شکل‌گیری عناصر یک الگوی رفتاری و نهاد اجتماعی، زیربنای بینشی و ارزشی حاکم بر آن است. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اولین گام تأسیس نظام موردنظر خود را با دعوت به توحید و تحکیم مبانی اعتقادی رفتارها و نهادهای اجتماعی آغاز نمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۰۲). ایمان به قیامت و زندگی بی‌متهای آخرت و وعده نعمت‌های بهشتی به کسانی که در راه خدا ایستادگی کنند، یکی از ارکان عقایدی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را با آن آشنا کرد. این دو عقیده، پایه‌های استواری بود

که سایر اجزا و عناصر فرهنگ جدید بر روی آن قرار گرفته و زمینه لازم برای پیاده کردن برنامه‌های تحول در سایر عرصه‌های زندگی از جمله الگوی تأمین اجتماعی را فراهم ساخت.

پس از مهاجرت به مدینه، اولین اقدام پیامبر ﷺ تأسیس، تقویت و سازماندهی نهادهای اجتماعی برای اعمال سیاست‌های تأمین اجتماعی بود. خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کارکردهای مهمی در زمینه حمایت از کودکان، سالخورده‌گان، زنان و آسیب‌دیدگان ایفا می‌کند. این نهاد، پیش از اسلام نیز وجود داشت و پیامبر اکرم ﷺ از جهات متعددی به تقویت آن پرداخت: اول، اصل تشکیل خانواده با تشویق جوانان و افراد مجرد به ازدواج مورد تأکید قرار گرفت. دوم، پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده، بخصوص میان همسران با یکدیگر و فرزندان و والدین، در سایه ارشادات ایشان استحکام بیشتری یافت. سوم، روابط اقتصادی و مالی میان اعضای خانواده مانند تقسیم کار بین زن و شوهر، وجوب نفقه همسر و ضرورت تأمین نیازهای فرزندان و والدین و در مراتب بعدی، سایر خویشاوندان تبیین گردید (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷، ح ۶۳۰).

عشیره، حلقه دیگری از مجموعه نهادهای اجتماعی است که از به‌هم پیوستن خانواده‌ها و افراد خویشاوند تشکیل می‌شود. این نهاد نیز کارکردهای مفیدی در زمینه حمایت‌های اجتماعی دارد. از آن جمله می‌توان به مشارکت در پرداخت دیه جرایم غیرعمدی (دیه عاقله) اشاره کرد. چنین کارکردی، پیش از اسلام وجود داشت. پیامبر اکرم ﷺ نیز آن را تأیید نمود (قابل، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱). از به‌هم پیوستن افراد، خانواده‌ها و عشیره‌های وابسته، واحد بزرگتری به نام «قبیله» تشکیل می‌گردید که آن هم پیش از اسلام سابقه داشت و در مواردی چون سازماندهی واحدهای اجتماعی برای دریافت کمک‌ها، دارای آثار مثبتی بود به همین جهت از آن نیز استفاده می‌شد.

عامل مشترکی که در تمامی این واحدهای اجتماعی سبب وحدت می‌گردید، عوامل طبیعی چون خون، خویشاوندی، نژاد و قومیت بود. این عوامل، دارای دو نقص کلی بودند: اول، قدرت انسجام بخشی آنها از محدوده قبیله فراتر نمی‌رفت و بنابراین نهادی که جامع تمامی قبایل و افراد یک ملت باشد را پشتیبانی نمی‌کرد. دوم، در همان حد پایین‌تر از قبیله نیز عاملی برای هماهنگی در موارد تراحم منافع نبود.

پیامبر اکرم ﷺ ضمن اینکه نهادهای موجود و عوامل طبیعی پیوندهای اجتماعی را، به لحاظ کارکردهای مثبتی که داشت، به‌طور کلی نفی نکرد، بلکه برخی از آنها را مورد تشویق نیز قرار داد، بر عامل وحدت و پیوند تأکید نمود، که هم از قدرت انسجام‌بخشی برای پیوستگی کل اجتماع برخوردار بود و هم با جهت‌دهی به پیوندهای طبیعی و قرار دادن آنها در مسیر هدف واحد، قادر به حل تراحم

میان نهادهای کوچکتر بود. این عامل وابستگی دینی و ایمانی افراد با یکدیگر و واحدهای اجتماعی بودند (توبه: ۲۳-۲۴).

پیامبر اکرم ﷺ بر پایه عامل وحدت ایمانی، در اولین ماه‌های استقرار در مدینه، دو اقدام بسیار اساسی انجام دادند. گام اول، تدوین اساسنامه امت اسلامی بود. این اساسنامه حاوی فرازهای حمایتی بسیار مهمی بود. مثلاً در یکی از بندهای آن آمده است: «وَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ لِأَيِّرْكَونَ مَفْرَحاً بَيْنَهُمْ أَنْ يُعْطوه بِالْمَعْرُوفِ فِي فِدَاءٍ أَوْ عَقْلِ». کلمه «مفرح»، چنان‌که در کتب ادبیات مانند *سیره ابن هشام* و *نهایه ابن اثیر* گفته شده، به معنای هر چیزی مانند بدهکاری، عیال‌مندی و ورشکستگی است که تحمل بار آن بر انسان سنگین باشد (احمدی میانجی، ۱۹۴۱ق، ص ۲۴). این عبارت بیانگر این است که در صورت بروز چنین مواردی برای هریک از مؤمنان، سایر مومنان او را در تحمل بار این مشکلات تنها نمی‌گذارند، بلکه در حل آن به روش‌های متعارف مانند پرداخت خسارت و خون‌بها او را یاری خواهند نمود.

گام دوم پیامبر ﷺ، انعقاد پیمان اخوت میان مسلمانان بود. در اثر این پیمان، مهاجران که فاقد مسکن، شغل و درآمد کافی برای اداره زندگی خود بودند، در مال و زندگی برادران انصار خود شریک شدند. از این طریق زمینه اسکان، اشتغال و کسب درآمد برای آنان فراهم شد. برای آن دسته از مسلمانانی که موفق به انعقاد پیمان برادری نشده بودند، در کنار مسجد، محلی به نام «صُفَه» در نظر گرفته شد که در همانجا زندگی می‌کردند و نیازهای زندگی آنها نیز با کمک سایر مسلمانان تأمین می‌گردید (کتانی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۱-۲۲۴).

با توصیه‌های فراوان رسول خدا ﷺ در زمینه رعایت ارزش‌هایی مانند اخوت، محبت، مؤاسات، تعاون، وحدت و پرهیز از اختلاف یاران حضرت، همان‌گونه که برای رفع نیازهای خود تلاش می‌کردند، نیازهای جامعه را نیز در نظر داشته برای رفع آن نیز تلاش و برنامه‌ریزی می‌کردند.

اقدامات، راهبردها و سازوکارهای اجرایی

آموزه‌های نبوی ﷺ و علوی ﷺ در زمینه اقدامات و شیوه‌های تحقق اهداف تأمین اجتماعی مشتمل بر جنبه‌های متعددی است. در اینجا با توجه به اهمیت رتبی و سیر تاریخی اقدامات، این سازوکارها را در سه محور پی‌ریزی اقتصاد سالم، بسیج مشارکت‌های مردمی و تشریح نهادهای قانونی بیت‌المال، بررسی می‌کنیم.

پی‌ریزی اقتصاد سالم و ایجاد زمینه خودتکایی افراد

پیامبر اکرم ﷺ در سیاست‌های مقطعی و کوتاه‌مدت خود همواره رسیدگی به نیازمندان جامعه را به‌عنوان

یک اصل لازم‌الرعایه دنبال می‌کردند و از هیچ کوششی برای آن فروگذار نمی‌کردند. با این وجود، حضرت در سیاست عمومی و بلندمدت خود در زمینه تأمین نیازهای زندگی، بر این عقیده بودند که افراد با در اختیار داشتن کار و سرمایه مناسب، بتوانند با عزت و کرامت مخارج زندگی خود را تأمین کنند. از این رو، ایشان از نیازخواهی، تبلی و تکدی‌گری به شدت نهی و بر لزوم کار و تلاش برای کسب روزی الهی تأکید می‌کردند. نقل‌های تاریخی فراوان حاکی از این است که حضرت بسیاری از متقاضیان کمک‌های نقدی را، که بالقوه توان کار و استغنا مالی داشتند، پیش از اظهار حاجت، به کسب درآمد و خوداتکایی راهنمایی کرده، می‌فرمودند: هر کس دری از نیازخواهی را به روی خود بگشاید، هفتاد باب فقر بر روی او گشوده خواهد شد. در اثر این توصیه‌ها، یاران حضرت به چنان روحیه عزت و خوداتکایی رسیدند که اگر کسی سوار بر اسب بود و شلاق او بر زمین می‌افتاد، برای برداشتن آن از کسی درخواست کمک نمی‌کرد (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۴-۱۲۲۲).

با اعتقاد به چنین سیاستی، حضرت تدابیر گسترده‌ای برای پی‌ریزی اقتصاد سالم و کارآمد به عمل آوردند. آن‌گاه که اموال و املاک بنی‌النضیر بدون جنگ به تصرف مسلمانان در آمد و به حکم قرآن، اختیار آن به رسول خدا ﷺ واگذار گردید، حضرت با تقسیم آن در میان مهاجران و دو نفر از فقرا، انصار، سرمایه لازم را برای خودکفایی مهاجران و قطع وابستگی آنان به انصار فراهم نمودند و همگان را به افزایش کشت محصولات کشاورزی فراخواندند (الهندی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۳). اجازه عمومی احیا و تشویق مسلمانان به آباد کردن زمین در همین راستا صادر گردید.

تجارت و بازرگانی هم در نظر رسول خدا ﷺ اهمیت فراوانی داشت. حضرت برای بهبود عملکرد بازار حقوق معاملات مانند حرمت ربا، حرمت احتکار، پرهیز از قیمت‌گذاری غیرضرور، آزادی فعالیت‌های اقتصادی، لزوم احترام به قراردادهای، حرمت مال مردم، حرمت کم‌فروشی و... و اخلاق تجارت مانند تعاون، انصاف، آسان‌گیری در معاملات، قناعت به سود کم و... را به‌طور موکد و مداوم گوشزد نموده، بر حسن اجرای آن نظارت می‌نمودند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳-۲۱۰).

با اجرای این سیاست‌ها، حضرت به دنبال این بود که از تمرکز سرمایه در دست عده‌ای خاص و محدود جلوگیری کرده و تحقق پیشرفت همراه با عدالت را تسهیل نماید. این سیاست نه تنها به کاهش فقر می‌انجامد بلکه کاهش تقاضا برای خدمات تأمین اجتماعی را در پی خواهد داشت.

بسیج مشارکت‌های مردمی

مشارکت‌های مردمی، که امروزه از آن به‌عنوان «تکافل عمومی» یاد می‌شود، یکی از پایه‌های اصلی

سیاست‌های تأمین اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ محسوب می‌شود. حضرت، با اتکا به انگیزه‌های ایمانی و نگرشی، که در بستر همبستگی‌های اجتماعی شکل گرفته بود، به‌طور مداوم مسلمانان، به‌ویژه ثروتمندان جامعه را به یاری نیازمندان ترغیب می‌کردند. اجرای این سیاست از اولین روزهای دعوت پیامبر ﷺ در مکه، در دستور کار قرار گرفت. در طول تمامی سال‌های پیش از هجرت و سال‌های آغازین پس از هجرت تا زمان تشریح خمس و زکات، مشارکت‌های مردمی تنها منبع هزینه‌های عمومی مانند تأمین نیازهای تهیدستان، مخارج جنگ، ساختن اماکن عمومی مانند مسجد، پل، جاده و احداث منابع درآمدزا مانند باغ‌ها، قنوات، مراکز تجاری و تولیدی و وقف درآمد آنها برای نیازمندان و سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی مانند تبلیغ اسلام و ارتقای سطح آموزش عمومی بوده است.

در حدیث *ابوسعید خدری* آمده است:

ما در حال سفر بودیم که مردی سوار بر مرکبی آمد و مدام اطراف خود را نگاه می‌کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس مرکب اضافی در اختیار دارد، آن را به کسی بدهد که دارای مرکب و سیله‌ای نیست. هر کس تو شه اضافه‌ای دارد، آن را به افراد بی‌تو شه بدهد. پس از آن رسول خدا ﷺ در مورد اقسام مال و مسئولیت همراهان، آنچه‌ان صحبت فرمود که ما به این نتیجه رسیدیم که هیچ حقی در مورد اموال اضافه خود نداریم و آن را باید در راه خدا و مصالح مردم مورد استفاده قرار دهیم (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵).

عمران‌بن حصین می‌گوید: «ار رسول خدا ﷺ برای ما خطبه‌ای نخواند، مگر آنکه ما را به صدقه دادن امر فرمود» (دارمی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۶). در اثر رهنمودهای ایشان، هیچ‌یک از اصحاب توانگر نماند، مگر آنکه چیزی را بر فقرا وقف کرده بود. *ابن شبه* در کتاب *تاریخ المدینه المنوره* (ابن شبه، ۱۳۶۸، ص ۱۷۳-۲۳۱)، گزارش کاملی از موقوفات پیامبر اکرم ﷺ و یاران ایشان نقل کرده است. بارزترین نمونه این رفتار، در کارنامه پرافتخار زندگانی امام علی ﷺ ثبت شده است (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۸۷-۱۱۰).

مطالعه سیره پیامبر اکرم ﷺ نشان می‌دهد، سیاست ایشان در جانب عرضه خدمات تأمین اجتماعی، بر افزایش عرضه بوده است. اگر این سیاست را در کنار سیاست کاهش تقاضای خدمات از طریق سیاست خوداتکایی و توانمندسازی افراد در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که ایشان بازار عرضه و تقاضای خدمات تأمین اجتماعی را به وضعیت تعادل خودکار نزدیک نموده، زمینه نیاز به دخالت دولت را به حداقل میزان خود تقلیل داده‌اند.

تشریح نهادهای قانونی تأمین اجتماعی

به لحاظ سیر تاریخی، تشریح منابع قانونی تأمین اجتماعی، آخرین حلقه اقدامات انجام‌شده برای استقرار

نظام تأمین اجتماعی در صدر اسلام است. باید توجه داشت که دولت نبوی ﷺ به دلیل برخورداری از صبغه الهی و مسئولیت‌های متنوعی که هم به‌عنوان واضع و مجری منابع قانونی و هم به‌عنوان سالم‌سازی بازار و جهت‌دهی به مشارکت‌های داوطلبانه مردمی به سمت استقرار عدالت اجتماعی و تکامل معنوی آنها به عهده داشت، در تمامی راهکارهای تأمین اجتماعی نقش بسیار اساسی و مهمی را ایفا می‌نمود.

اولین منابع قانونی درآمدهای دولت، انفال، ثروت‌های طبیعی و خمس بود که در سال دوم هجری با نزول آیاتی از سوره انفال در جریان تقسیم غنایم جنگ بدر تشریح گردید (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۴، ص ۱۶۵). «انفال» در اصطلاح فقه شیعه، چیزی است که مقام امامت مالک آن است. موارد آن عبارتند از: زمین‌هایی که بدون جنگ به تصرف مسلمانان درمی‌آید. «فیء»، زمین‌های موات، وسط دره‌ها، جنگل‌ها و سرکوه‌ها و هر آنچه در آنها وجود دارد، آبادی‌هایی که صاحب ندارند، صفایا و قطایع ملوک، غنایم جهاد خود سرانه، ارث بدون وارث، معادن و دریاها (بنا بر قولی) را شامل می‌شود. موارد وجوب پرداخت خمس نیز عبارتند از: غنایم جنگی، معدن، کنز، غوص، درآمد مازاد بر مخارج سالانه زندگی، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد و مال حلال مخلوط به حرام (موسوی خمینی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰۲-۳۱۶). قانون فیء، یعنی غنایم به دست‌آمده بدون جنگ) که در فقه شیعه جزئی از انفال به حساب می‌آید، در سال چهارم هجری، و در ضمن سوره حشر تشریح گردید.

در سال هشتم هجری، قانون زکات با نزول آیه ۱۰۳ توبه بر پیامبر ﷺ ابلاغ گردید. ایشان بر اساس این قانون از گندم، جو، خرما، کشمش، گاو، گوسفند، شتر، طلا و نقره زکات دریافت کرد. امام علی علیه السلام در زمان حکومت خود، مالیاتی شبیه زکات بر انواعی از اسب‌ها وضع نمود. قانون جزیه (مالیاتی که بر رئوس اهل ذمه وضع می‌شد)، در سال هشتم هجری، با نزول آیه ۲۹ توبه ابلاغ شد. تحول عمده در میزان درآمدهای عمومی، با فتح اراضی سواد (قسمتی از عراق) و قسمت‌هایی از ایران در زمان عمر به وقوع پیوست. بعضی از نویسندگان، مبدأ پیدایش نهاد خراج را از همین زمان ذکر کرده‌اند (شهبازی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۰).

سازوکار دولت و نهادهای قانونی بیت‌المال در صدر اسلام، از جهات گوناگون کارکردهای مهمی در زمینه تأمین اجتماعی داشته است. اولین نکته در این زمینه، وجود معافیت‌های مالیاتی است. این معافیت‌ها در خمس و زکات به صورت حد نصاب وجوب پرداخت، و در مورد جزیه و خراج با تأکید بر این نکته بیان شده است که این مالیات‌ها باید از مازاد درآمد مردم گرفته شوند. در یکی از نامه‌های امام علی علیه السلام به مسئولان خراج آمده است: «[خراج‌دهندگان] را بر خراج از

طاقتشان تکلیف نکنید و با مردم به انصاف رفتار کنید و بر نیازهای آنان صبور باشید» (منقری، ۱۳۸۲ق، ص ۱۰۸؛ نهج البلاغه، نامه ۵۱). حضرت در توصیه دیگری به یکی از مأموران جمع‌آوری خراج فرمود: «مبادا مسلمان یا یهودی یا مسیحی‌ای را برای ستاندن درهمی خراج، بزنی یا برای گرفتن درهمی، چهارپایی را که با آن کار می‌کنند، بفروشی که ما مأموریم تا زیاده مال ایشان را بگیریم» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۵۴۰).

نکته دوم اینکه قاعده کلی در تعیین میزان حقوق کارگزاران دولت تأمین حد کفایت مخارج زندگی آنان بود. در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است:

هر ک سسی که از جانب ما کاری به او واگذار می‌شود، اگر هم سر ندارد هم سر اختیار کند. اگر خدمتکار ندارد، خادم بگیرد. اگر فاقد مسکن است، منزل انتخاب کند و اگر مرکب ندارد، مرکبی تهیه کند. هر کس بیش از این برداشت کند، خیانت کار و یا سارق است (ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ص ۴۹۹).

نکته سوم، جایگاه تأمین نیازهای معیشتی مردم در ویژگی‌های مصارف بیت‌المال و منابع قانونی درآمد‌های آن نمایان است. در ناحیه مصارف، چنانکه در بررسی اهداف تأمین اجتماعی در صدر اسلام گذشت، تأمین نیازهای اقشار آسیب‌پذیر مانند فقیران، بدهکاران، بردگان، سالمندان از کارافتاده و بیماران، اولین اولویت مصرف و مهم‌ترین هدف وضع این منابع بوده است. در ناحیه منابع نیز موارد اخذ زکات عمدتاً اموالی مانند محصولات دامی و کشاورزی است که ناظر بر نیازهای معیشتی مردم بوده است (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸-۱۸۰).

در سیاست‌های حمایتی صدر اسلام در بازار کار، علاوه بر اینکه به‌عنوان یک اصل اخلاقی بر تناسب میزان دستمزدها با تأمین نیازهای کارگران و کارگزاران تأکید می‌شد، مواردی که حاکی از تعیین میزان دستمزد و یا وضع حداقل دستمزد توسط دولت باشد مشاهده نمی‌شود (قرضاوی، ۱۳۹۰، ص ۴۹۰-۴۹۳). در بازار کالاها و خدمات آن دوره نیز در حالی که سالم‌سازی بازار به شیوه‌های مناسب، همواره مورد توجه بوده، موردی که حاکی از قیمت‌گذاری توسط دولت باشد، به چشم نمی‌خورد. حتی رسول خدا ﷺ در مواردی که کالا در بازار کمیاب شده بود و فقط یک نفر مقداری از آن را در اختیار داشت و برخی از یاران حضرت خواستار تعیین قیمت توسط ایشان بودند، از این کار شدیداً امتناع فرمود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۳-۱۹۱).

یکی از نکات بسیار مهم و درس‌آموز دولت‌های نبوی ﷺ و علوی ﷺ در رسیدگی به فقرا، میزان حساسیت آنها به این امر است. پیامبر ﷺ رسالت خود را هزینه کردن و تخصیص مال معرفی فرمود: «لَمْ تَبْعَثْ لِيَجْمَعِ الْمَالَ، وَلَكِنْ بُعِثْنَا لِإِنْفَاقِهِ» (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۱). در این زمینه، روایات تاریخی

زیادی از سیره عملی پیامبر ﷺ و امیرالمومنین علیه السلام وارد شده است که حاوی درس‌های بسیار مهمی برای حاکمان جامعه اسلامی است.

موارد تحت پوشش الگوی تأمین اجتماعی در صدر اسلام

نظام‌های تأمین اجتماعی معاصر موارد متعددی مانند قطع و یا کمبود درآمد، بیکاری، بیماری، بازنشستگی، از کارافتادگی، بازماندگان را تحت پوشش قرار می‌دهند. موارد تحت پوشش الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام، تحت عناوین ویژه‌ای که برخی به دلایل تاریخی و یا مبنایی، متفاوت از موارد امروزی بوده است، ارائه می‌گردد. در این بخش، به بررسی اهم این موارد خواهیم پرداخت.

تأمین نیازهای متعارف فقیران

در میان موارد تحت پوشش الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام، رایج‌ترین آنها عنوان «فقیر» بوده است. این واژه، وقتی به تنهایی به کار می‌رود، موارد مشابهی چون؛ مسکین، سائل، محروم و یتیم را نیز در بر می‌گیرد. «فقیر» به کسی اطلاق می‌شود که به دلایل گوناگون مانند فقدان و یا کمبود درآمد، فوت سرپرست، بیکاری، بیماری، معلولیت، سالمندی و از کارافتادگی قادر به تأمین مخارج زندگی خود نباشد. در چنین مواردی، جامعه، اعم از دولت و آحاد مردم، در مقابل تأمین نیازهای زندگی او مسئول بوده، او را تا حد رساندن به سطح زندگی سایر مردم مورد حمایت قرار داد. عناوین فقیر، مسکین و یتیم در موارد مصرف زکات، صدقات، انفاقات، خمس و فیه، که عمده منابع تأمین اجتماعی در صدر اسلام را تشکیل می‌داده‌اند، ناظر به تأمین این هدف می‌باشند (توبه: ۶۰؛ انفال: ۴۱؛ حشر: ۷؛ بقره: ۲۱۵ و ۱۷۷؛ نساء: ۳۶؛ اسراء: ۲۶؛ روم: ۳۸).

رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر و تأمین نیازمندی‌های آنان، اولویت نخست مصرف بیت‌المال بود. امام علی علیه السلام در نامه‌هایی که به کارگزاران خویش می‌نوشت، همواره بر این امر تأکید می‌فرمود. در نامه حضرت به مالک اشتر آمده است:

خدا را خدا را! در مورد طبقه پایین، آنها که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان و نیازمندان و تهی‌دستان و از کارافتادگان، در این طبقه هم کسانی هستند که دست سؤال دارند و هم افرادی که باید به آنها بدون درخواست، بخشش شود، بنابراین، به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده عمل نما! قسمتی از بیت‌المال و قسمتی از غلات خلاصه جات اسلامی را در هر محل به آنها اختصاص ده و بدان! آنها که دورند به مقدار کسانی که نزدیکند سهم دارند... اگر یکی از سربازانت و کسانی که با دشمنان تو مبارزه

می‌کنند، به شهادت رسید، مانند یک و صی دل سوز و مورد اعتماد، جای او را پر کن به گونه‌ای که اثر فقدان او در چهره آنان مشاهده نشود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

آن حضرت در نامه دیگری، خطاب به قثم بن عباس، که از جانب ایشان والی مکه بود، نوشت: اموالی که در نزد تو گرد آمده و مربوط به خدا است، به دقت در مصرف آنها بنگر، و آن را مصرف عیالمدان و گرسنگان کسانی که در محل هستند بکن. آنچنان که به طور صحیح به دست فقرا و نیازمندان برسد و مازاد آن را نزد ما بفرست تا بین کسانی که اینجا هستند، تقسیم کنیم (نهج‌البلاغه، نامه ۶۷).

پرداخت بدهی بدهکاران

پرداخت بدهی کسانی که به دلایلی چون ورشکستگی، تعهد به پرداخت دیه و یا قرض گرفتن، برای تأمین معاش، از ادای دیون خود ناتوان بودند، از جمله موارد پوشش تأمین اجتماعی در صدر اسلام بوده است. عنوان «الغارمین» در بیان مصارف زکات در آیه ۶۰ سوره توبه، بر همین معنا دلالت می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ خود را در مقابل پرداخت چنین دیونی، مسئول می‌دانست. در اوایل هجرت، که حکومت ایشان با تنگنای مالی شدیدی مواجه بود، چنانچه کسی از مسلمانان فوت می‌کرد، برای اقامه نماز ابتدا از وضعیت بدهی او سؤال می‌کرد. اگر بدهکار بود، بر جنازه او نماز نمی‌خواند، مگر آنکه کسی پرداخت بدهی او را تضمین نماید (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۹۳). بعدها که درآمدهای بیت‌المال توسعه پیدا کرد، فرمود: «هر کس دین و یا بازماندگان (فقیری) از خود بر جا گذارد (تأمین آن) به عهده من است و به سوی من بیایند و هر کس که مال و ثروتی به جا گذارد، متعلق به ورثه او است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۲۴۲). در روایتی آن حضرت می‌فرماید:

هیچ بدهکاری نیست که بدهکاری خود را به یکی از والیان مسلمانان عرضه کند و برای والی تنگ‌دستی او ثابت شود، مگر آنکه بدهکار فقیر، از بدهی خود رهایی می‌یابد و بدهی او بر عهده والی مسلمانان می‌آید و از محل اموال مسلمانان، که در دست او است، باید پرداخت شود (کلینی، ۱۳۸۹، ص ۴۰۷ و ص ۴۰۶، ج ۶).

کمک به در راه ماندگان

در دوران صدر اسلام، که حمل و نقل با وسایل ابتدایی انجام می‌شد، مسافرت میان شهرها با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود. در آن زمان افراد به دلایلی مانند بسته شدن راه و یا ناامنی و یا تمام شدن آذوقه، در میانه سفر از ادامه راه باز مانده نیاز به کمک پیدا می‌کردند. نظام تأمین اجتماعی صدر اسلام چنین

مواردی را تحت پوشش قرار می‌داد. واژه «ابن السبیل» در میان موارد مصرف خمس، فیء، زکات، انفاق، احسان و حق الحصاد (انفال: ۴۱؛ حشر: ۷؛ توبه: ۶۰؛ بقره: ۲۱۵ و ۱۷۷؛ نساء: ۳۶؛ اسراء: ۲۶؛ روم: ۳۸)، ناظر به تشریح این مورد از اهداف تأمین اجتماعی می‌باشد.

آزاد کردن بردگان

در صدر اسلام در شبه جزیره عربستان، برده‌داری رواج داشت. این پدیده ناگوار، که اصل هویت انسان و تمامیت آزادی او را به گروگان می‌گرفت، از بزرگ‌ترین و مشکلات اجتماعی به شمار می‌رفت. از این رو، آزادی بردگان به‌عنوان یکی از موارد مصرف زکات «الرّقاب» و کفاره برخی گناهان، در صدر اسلام مورد تأکید و تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گرفت (توبه: ۶۰).

تأمین سالمندان از کارافتاده

شیوه حمایت اجتماعی و مراقبت از سالمندان در صدر اسلام متفاوت از شیوه‌های امروزی آن بوده است. در الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام، قاعده کلی بر این بود که مخارج دوره سالمندی در درجه اول، از محل پس‌اندازهای دوره جوانی خود فرد و در درجه دوم، از محل مسئولیت‌های خانواده وی تأمین گردد. چنانچه فردی از حمایت خانواده محروم می‌ماند، تحت مصداق عنوان فقیر درمی‌آمد و مسئولیت تأمین زندگی او بر عهده جامعه قرار می‌گرفت. با این حال، تأمین زندگی «سالمندان از کارافتاده» از محل درآمدهای عمومی، به‌ویژه بردگان و اهل ذمه، به‌طور خاص مورد تأکید قرار داشت. امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر فرمود:

ر سیدگی به حال یتیمان و زمین‌گیران و سالخورده‌گان بیچاره، که پیش کسی دست دراز نمی‌کنند را بر عهده گیر و روزی‌شان را جاری کن، که ایشان بندگان خدایند. پس با مددسانی به ایشان و تأمین روزی و ادای حقوقشان به اندازه لازم، به خداوند نزدیکی بجوی، که کارها با پاک‌نیت‌ها خلوص می‌یابند! (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

روزی حضرت صلی الله علیه و آله پیرمرد عاجزی را دید که تکدی می‌کند. فرمود: «این کیست؟» گفتند: «او یک مسیحی است». فرمود: «او را به کار گرفتید تا پیر و ناتوان شد، آن‌گاه، بازش داشتید؟ از بیت‌المال به وی انفاق کنید» (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۲۹۲). شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که از وجود چنین سستی در میان سایر حاکمان صدر اسلام نیز حکایت می‌کند (ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۳؛ صاحب فصول، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

رسیدگی به بیماران

در میان موارد تأمین اجتماعی، مخاطرات ناشی از بیماری دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا بیماری علاوه بر اینکه سلامتی فرد را تهدید می‌کند، در صورت عدم درمان به موقع، ممکن است به دیگران نیز سرایت کرده، و برای جامعه هم مشکل‌آفرین باشد. از این رو، نظام‌های تأمین اجتماعی معاصر، به شیوه‌های گوناگونی مانند بیمه‌های درمانی عادی و تکمیلی و ارائه خدمات درمانی توسط بخش عمومی، مخارج درمانی افراد را تحت پوشش خود قرار می‌دهند. امروزه پیشرفت‌های گسترده در علم پزشکی و شیوه‌های تشخیص بیماری و درمان آن، شبکه بهداشت و درمان کشورها بسیار پیچیده شده و مخارج درمان نیز هزینه‌های گزافی را بر افراد تحمیل می‌کند.

در صدر اسلام چنین وضعیتی وجود نداشت. *عبدالحی کتانی* در کتاب *التراتب الاداریه* در باره وضعیت دستگاه بهداشت و درمان عهد نبوی ﷺ می‌نویسد:

سعد [معاذ] در جنگ خندق با تیر قریش آسیب دید. حضرت دستور داد در مسجد خیمه‌ای برای خواباندن او زدند و در فواصل کوتاه، عیادت و احوال‌پرسی می‌کرد. *ابن اسحاق* گوید: آن خیمه متعلق به زنی از قبیله اسلم بود به نام رفیده، و آن زن، زخمی‌ها را مداوا می‌کرد و خود را وقف خدمت به آسیب‌دیدگان مسلمان کرده بود. در الاصابه نام *کمیه بنت سعد سلمی* خواهر رفیده نیز آمده که پرستاری بیماران می‌نمود. مؤلف گوید: این مفصل‌ترین مطلب از سابقه بیمارستان در عصر پیامبر ﷺ، راجع به بیمارستان‌های به معنای اصطلاحی است. بیمارستان، نخستین بار در زمان ولید بن *عبدالملک* به سال ۸۸ تأسیس شد و پزشکان را در آن به کار گماشتند و هزینه معین کردند و دستور داده شد جذامیان آنجا نگهداری شوند که شب‌ها بیرون نیایند، و نیز برای جذامیان و کوران مستمری تعیین شد (کتانی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۲).

این گزارش حاکی از آن است که در دوران نخستین حاکمیت اسلام، دستگاه بهداشت و درمان بسیار ساده بود. پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ علاوه بر اینکه، خود توصیه‌های فراوان و مؤثری برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها داشتند، مردم را به مداوای بیماری از طریق پزشکان ترغیب می‌نمودند. به این ترتیب، می‌توان گفت: در دهه‌های نخست هجری، بهداشت و درمان، بیشتر جنبه خصوصی داشته و هزینه درمان به عهده خود افراد بوده است.

با این حال، جمعیت بیماران به شیوه‌های گوناگونی تحت حمایت قرار می‌گرفتند. اول، اگر بیماری، به علت فقر از عهده مخارج درمان خود بر نمی‌آمد، به عنوان فقیر، مستحق دریافت کمک‌های اجتماعی محسوب می‌شد؛ چراکه به طور قطع نیازهای سلامتی، به مراتب زیادی، بر نیازهای مالی اولویت داشت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۵۳؛ ج ۷۴، ص ۱۸۶). دوم، رسیدگی به بیماران و کمک به درمان آنها،

همانطور که از عبارت کتانی برمی‌آید، فی حدّ نفسه و صرف نظر از فقر مالی بیمار یکی از کارهای خیر به حساب می‌آید. در همین راستا، عیادت مریض یکی از سنت‌های پسندیده به حساب آمده است (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۲۸۸۹-۲۸۸۸). سوّم، یکی از موارد مصرف زکات «سبیل الله» است که عموم آن، کمک به بیماران را نیز شامل می‌شود. در همین راستا، راهکار مهمی که در صدر اسلام برای حل اساسی نیازهای عمومی در پیش گرفته شد، سنت وقف یا صدقات جاریه بود که مواردی چون ساختن راه، مسجد، پل و آب انبار را شامل می‌گردید. به طور قطع، یکی از موارد وقف، ساختن بیمارستان و قراردادن املاک درآمدزا برای تضمین مخارج اداره آن و درمان بیماران می‌باشد. بر اساس این رهیافت، به موازات پیشرفت‌های سریع تمدن اسلامی و توسعه بهداشت و درمان، ساختن بیمارستان‌های موقوفه و درمان مجانی بیماران و حتی کمک مالی به آنها پس از ترخیص، به خوبی در نظام تأمین اجتماعی سرزمین‌های اسلامی جایگاه خود را پیدا کرد (سیریل، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸-۲۰۰).

سایر موارد

علاوه بر این، تهیه مسکن یکی دیگر از نیازهای اساسی انسان است که شواهد تاریخی حاکی از قرار داشتن آن در دایره سیاست‌های رفاهی صدر اسلام است. تقسیم زمین میان مهاجران توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که به اقطاع‌الدور شهرت یافته است، نمونه‌ای از اقدامات دولت نبوی صلی الله علیه و آله در این زمینه است (صدر، ۱۳۸۷، ص ۶۶).

مورد مهم دیگر در این زمینه، کمک مالی بیت‌المال به کسانی است که نیاز به تشکیل خانواده دارند و از عهده مخارج آن برنمی‌آیند. بنا بر روایتی، به فرمان امام علی علیه السلام، مخارج ازدواج جوان مجردی که دچار فساد اخلاقی شده بود، از بیت‌المال پرداخت گردید (متنظری، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵۵).

وضعیت به‌دست آمده از اجرای الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام

الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام، که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایه‌ریزی و در طول حیات ایشان بسیاری از خطوط عملی و اجرایی آن ترسیم گردیده بود، به تدریج آثار و برکات خود را در جامعه نشان داد. این آثار اگرچه از همان سال‌های آغازین هجرت قابل مشاهده است، ولی برای مشاهده تمامی آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت این الگو، باید وضعیت امت اسلامی در سال‌های دورتری را نیز مورد مطالعه قرار داد. برخی کارکردها مانند برچیده شدن برده‌داری و استقرار نظام بهداشت و

درمان، در دوره‌های طولانی‌تری ظاهر شدند. بررسی بیشتر این امور از مجال این تحقیق خارج است. اگر مهم‌ترین هدف نظام تأمین اجتماعی صدر اسلام، یعنی رفع فقر را در اینجا به معنای جامع‌تری، که شامل پرداخت دیون، تأمین درراه‌ماندگان و سالمندان از کارافتاده نیز باشد در نظر بگیریم، بر اساس شواهد تاریخی متقن می‌توان گفت: این نظام در دستیابی به این هدف کاملاً موفق عمل کرده است. در این بخش، به اختصار تحقق این هدف در دوره‌های تاریخی صدر اسلام را بررسی می‌نماییم.

دوره حیات پیامبر اکرم ﷺ

در آغاز استقرار مسلمانان در مدینه، دامنه فقر بسیار گسترده بود. علاوه بر اصحاب صفه، که در فقر شدید به سر می‌بردند زندگی مهاجران به انصار وابسته بود (کتانی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴). دیری نپایید که به برکت برنامه‌های صحیح اقتصادی و تأمین اجتماعی، وضعیت همه آنان بهبود یافت، به نحوی که در اواخر سال‌های عمر پربرکت پیامبر ﷺ همگی مهاجران، مسکن، شغل، و وضعیت رفاهی مناسبی پیدا کردند (صدر، ۱۳۸۷، ص ۴۴). این بهبود به گونه‌ای بود که در سال هشتم هجری، با توانمند شدن جماعتی از مسلمانان، فریضه زکات تشریح گردید. وجوب پرداخت زکات مستلزم ارتقاء سطح رفاهی خانوارهایی بود که در پایان سال مشمول پرداخت زکات می‌شدند.

دوره خلافت عمر بن خطاب

پس از دوره رسول خدا ﷺ، در دوره کوتاه خلافت ابوبکر هم به‌طور مداوم از تعداد فقرا کم و بر تعداد کسانی که توانایی پرداخت زکات را پیدا می‌کردند، افزوده می‌شد. این روند ادامه یافت، تا اینکه از زمان خلیفه دوم به بعد در اکثر نقاط حاکمیت اسلامی، حتی در منطقه دورافتاده‌ای مانند یمن در جنوب شبه‌جزیره، مستحقی برای اعطای زکات پیدا نمی‌شد.

بر پایه روایت ابوعبید، معاذبن جبل، که از سوی پیامبر اکرم ﷺ به امارت یمن اعزام شده و تا زمان عمر در این سمت ابقا گردیده بود، یک سال برای صرف یک سوم زکات جمع‌آوری شده، مستحقی نیافت، و به‌ناچار آن را به مدینه نزد خلیفه فرستاد. عمر از این موضوع برآشفته و به او نوشت: من تو را برای گرفتن جزیه و خراج نفرستادم، صدقات و زکات باید از ثروتمندان اخذ و به مصرف فقرا برسد (نه هزینه‌های دولت) و فقرای هر محل برای هزینه شدن آن بر سایر فقرا اولویت دارند. معاذ در پاسخ نوشت: چیزی به سوی تو نفرستادم، مگر به دلیل اینکه کسی را برای دریافت آن در محل پیدا نکردم.

در سال دوم، معاذ نیمی از زکات را به مرکز فرستاد و همان گفت‌وگو میان آنها صورت گرفت. در سال سوم، وی همه زکات جمع‌آوری شده را از سال نمود و عمر نیز همان حرف سابق را تکرار کرد. معاذ پاسخ داد که برای دریافت آنها کسی را پیدا نکرده است (صاحب فصول، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

دوره حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام

در زمان خلیفه سوم، به دلیل فاصله گرفتن جامعه از سنت‌های صحیحی که پیامبر صلی الله علیه و آله بنا گذاشته بود، محرومیت و شکاف طبقاتی مجدداً در جامع به اوج رسید با آغاز خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام آثار رحمت و عطف الهی بار دیگر بر امت اسلامی نمایان شد (محمدری شهری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۳۷-۲۷۰). امام علی علیه السلام با احیای سیره و سنت نبوی صلی الله علیه و آله چهره دهشت‌انگیز فقر را تا بدانجا عقب راند که خود فرمود: [در دوران حکومت من] هیچ کس در کوفه شب را به روز نمی‌رساند، مگر اینکه زندگی آسوده‌ای دارد. فروپایه‌ترین مردم نان گندم می‌خورد، سایبانی دارد، و آب گوارا می‌نوشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۲۷).

دوران عمر بن عبدالعزیز

در زمان‌های بعد، به دلیل انحراف عمیقی که در مدیریت سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی به وجود آمد، نظام تأمین اجتماعی اسلام تا حدودی از ادامه مسیر تکاملی خود بازماند. با این حال، در هر زمانی که فرصت احیای سنن نبوی علوی، هرچند ناقص، فراهم می‌شد، خاطره ثمرات شیرین آن مجدداً تکرار می‌گردید. یکی از این دوره‌ها دوره حکومت عمر بن عبدالعزیز است که حکایات تاریخی فراوانی درباره ریشه‌کنی مجدد فقر و برقراری رفاه اجتماعی در آن دوره نقل شده است (صاحب فصول، ۱۳۸۲، ص ۵۶-۵۹).

در روایت بیهقی از عمر بن اسید آمده است:

عمر بن عبدالعزیز دو سال و نیم حکومت کرد، به خدا قسم از دنیا نرفت، مگر آنکه ما را به چنان وضعی رساند که اگر کسی مالی پیش ما می‌آورد و می‌گفت: این مال را به هر فقیری که می‌شنا سید برسانید، همان‌طور می‌ماند تا اینکه مال خود را برمی‌گرداند و کسی را برای دریافت آن پیدا نمی‌کرد. عمر بن عبدالعزیز مردم را بی‌نیاز کرد (عسقلانی، بی تا، ج ۶، ص ۴۵۱).

سهیل بن صالح می‌گوید:

عمر بن عبدالعزیز به والی عراق، عبدالحمید بن عبدالرحمن، دستور داد مستمری همه مردم را پرداخت کن. عبدالحمید نوشت: همه مردم حقوق خود را گرفته‌اند، ولی هنوز مبالغی در بیت‌المال مانده است. عمر به او

نوشت: بررسی کن، کسانی که به دور از اسراف و فساد، ناچار به قرض شده‌اند، بدهی آنها را از بیت‌المال پرداخت کن. *عبدالمجید* پس از انجام این کار، باز نسبت به وجوهی که هنوز در بیت‌المال باقی مانده بود، کسب تکلیف کرد. خلیفه گفت: پس از بررسی، هر دختر و پسر و کسی که به خاطر نداری از تهیه چیزیه و یا توان پرداخت مهریه، از ازدواج فرو مانده‌اند، با بودجه بیت‌المال ازدواج کنند. ولی باز هم مبالغی باقی ماند. خلیفه این بار در پاسخ نوشت: نگاه کن کسانی که جزیه و یا خراج بدهکارند و قادر به برداشت از زمین نیستند، مساعدت کرده و به اندازه‌ای که قادر به کشت زمین شوند، به پیش خرید محصولات آنها مبادرت کن (ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۶۵).

مختصات ساختاری الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام

الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام در مقایسه با الگوهای تأمین اجتماعی معاصر از ویژگی‌های ساختاری متمایزی برخوردار بوده است. برخی از این ویژگی‌ها، ممکن است جنبه عصری داشته و قابل تعمیم به شرایط متحول اجتماعی و اقتصادی امروز نباشند، اما بی‌گمان برخی دیگر از آنها این قابلیت را داشته و بهره‌گیری از آنها برای برون‌رفت از مشکلات موجود مفید است. در ذیل به برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

جامعه‌محوری (به‌جای دولت‌محوری)

نظام‌های تأمین اجتماعی کنونی در پاسخ به این سؤال، که مسئولیت برقراری تأمین اجتماعی با چه کسی است؟ به‌طور عمده، دولت را مسئول این امر می‌دانند و مفهوم دولت رفاه نیز بر همین عقیده استوار شده است. در الگوی صدر اسلام، مسئولیت تأمین اجتماعی به‌طور هم‌زمان با مشارکت جمعی آحاد جامعه، خانواده‌ها، برادران ایمانی (تکافل عمومی)، نهادهای خیریه و دولت در کنار همدیگر به انجام می‌رسید. از این رو، می‌توان این الگو را الگویی جامعه‌محور دانست که در آن خدمات تأمین اجتماعی به‌طور کامل، از طریق دولت تولید و توزیع نمی‌شود.

استحقاق‌گرایی (به‌جای عام‌گرایی)

الگوهای تأمین اجتماعی رایج در بیشتر طرح‌های خود، در ناحیه درآمدها و یا مصارف، از روش‌های عام‌گرایانه استفاده می‌کنند. برای مثال، طرح‌های بزرگی مانند بیمه‌های بازنشستگی و خدمات درمانی و مانند آن، از طریق حق بیمه‌های عموم شایگان تأمین مالی می‌شوند. در ناحیه تخصیص مزایا نیز بر ملاک‌های عامی مانند رسیدن فرد به سن معین، داشتن همسر و فرزند و مانند آن عمل می‌شود؛ اعم از

اینکه فرد مورد نظر نیازمند کمک باشد و یا نه. این گونه روش‌ها، علاوه بر اینکه به لحاظ اداری مستلزم دیوان‌سالاری گسترده‌ای است، از نظر مالی هم بسیار پرهزینه است.

الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام، در ناحیه درآمدها، عمدتاً متکی بر مازاد درآمد عاملان اقتصادی و منابع عمومی دولت بود. در ناحیه هزینه‌ها نیز موارد پوشش الگو، عموماً از افراد مستحق کمک تشکیل می‌گردید. به طور نمونه، از جمله ویژگی‌های خمس و زکات، که دو منبع اصلی تأمین اجتماعی در صدر اسلام بوده‌اند، این است که خمس تنها بر کسانی واجب است که دارای درآمدی مازاد بر مخارج متعارف زندگی باشند. مستحقان زکات نیز تنها کسانی هستند که فاقد درآمد کفاف زندگی هستند.

ممکن است تصور شود که تقسیم سرانه و عمومی بیت‌المال از زمان خلیفه دوم به بعد نوعی رویکرد عام‌گرایانه است. اما باید توجه داشت که تقسیم سرانه بیت‌المال از باب تأمین اجتماعی نبوده، بلکه نوعی تخصیص مازاد درآمد بیت‌المال بوده که پس از تأمین تمامی نیازهای اجتماعی از جمله تأمین فقرا، اعمال می‌گردیده است. به همین دلیل، در نامه‌های امام علی علیه السلام به والیان خود، تأکید گردیده که ابتدا باید نیازمندان محل از درآمدهای بیت‌المال تأمین شوند. تنها مازاد آن، جهت تقسیم سرانه به مرکز حکومت ارسال شود. از نامه‌های عمر بن عبدالعزیز به والیان خود نیز این مطلب استفاده می‌شود.

منطقه محوری (به جای تمرکزگرایی)

ساماندهی خدمات تأمین اجتماعی در صدر اسلام، در عین حالی که از منظر سیاست‌گذاری و نظارت کلان از نوعی مدیریت متمرکز بی‌نصیب نبود، در ناحیه تجهیز و تخصیص منابع عمدتاً مبتنی بر رویکرد منطقه‌ای و محله‌ای بود. تأکید بر اولویت حتمی تخصیص زکات مال و زکات فطره هر منطقه‌ای به نیازمندان همان منطقه و تقدم نیازهای منطقه‌ای در تخصیص سایر درآمدهای بیت‌المال، همچنین برتری انفاق و وقف بر نزدیکان نسبی، سببی و مکانی (همسایگان)، نسبت به سایر نیازمندان و تأکید بر اهدای چهره به چهره و مستقیم کمک‌های مالی و محوریت مساجد در شناسایی، تأمین و حتی گاهی اسکان موقت نیازمندان، از نشانه‌های بارز وجود این خصیصه در الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام است. با حاکمیت چنین الگویی کارآمدی مدیریت اطلاعات نیازمندان تسهیل گردیده و یکی از مشکلات عمده تخصیص خدمات رفاهی در جوامع فعلی، از ناحیه عدم تقارن اطلاعات و پدیده سواری مجانی، به حداقل خواهد رسید. این الگو همچنین، از بروز پدیده دیوان‌سالاری و گسترش هزینه‌های اجرایی خدمات اجتماعی جلوگیری خواهد شد. علاوه بر این، به دلیل مشاهده مستقیم آثار کمک‌های اعطایی،

انگیزه عرضه‌کنندگان افزایش می‌یابد و اگر کمک‌ها به صورت اعطا چهره به چهره انجام شود، آثار تربیتی ضمنی هم خواهد داشت.

عدم دوگانگی میان منابع مالیاتی و منابع تأمین اجتماعی

الگوهای کنونی تأمین اجتماعی در تجهیز منابع، عمدتاً متکی بر کسورات حق بیمه شاغلان است. در آنها رابطه قابل توجهی میان منابع و مصارف مالیات‌ها با منابع و مصارف تأمین اجتماعی وجود ندارد. در این شیوه، مجموع مالیات‌ها و کسورات حق بیمه، رقم کلانی را تشکیل می‌دهد که تحمیل آن بر بازار کار، پیامدهای انگیزشی زیانباری به وجود آورده، تأمین مالی نظام‌های تأمین اجتماعی را با بحران مواجه ساخته است. در الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام، چنین دوگانگی وجود ندارد و جهت‌گیری کلی منابع و مصارف مالیات‌ها در راستای تأمین اجتماعی قرار دارد. بهره‌گیری از مزیت این الگو، برای برون‌رفت از مشکلات مالی نظام‌های فعلی و حل تعارض میان مالیات‌های شرعی و حکومتی مفید خواهد بود.

تحلیل ویژگی‌های کارکردی الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام

برای شناخت بهتر تجربه تأمین اجتماعی در صدر اسلام و استفاده بهینه از نقاط قوت و مزایای آن در طراحی الگوی مطلوب تأمین اجتماعی برای جوامع امروزی، لازم است ویژگی‌های کارکردی این الگو را نیز بررسی نماییم. در این بخش مهم‌ترین این ویژگی‌ها را تحلیل می‌کنیم.

تقدم توانمندسازی و خوداتکایی افراد بر وابستگی به کمک‌ها

با عنایت به آنچه که در سازوکارهای تأمین اجتماعی صدر اسلام ملاحظه شد، راهکار اصولی تأمین نیازهای زندگی در این الگو این بود که افراد، اولاً، از نظر روحی به عزت و استغنائی نفس برسند و وابستگی به کمک‌های دیگران را مذموم تلقی کنند. ثانیاً، با در اختیار داشتن شغل و درآمد مناسب، بدون آنکه نیاز به کمک دیگران داشته باشند، از عهده تأمین زندگی خود برآیند. ثالثاً، با تحصیل توانایی انفاق بر دیگران، زمینه رشد معنوی خود و رفع نیازهای اجتماعی را فراهم آورند. روشن است در چنین چارچوبی، روند امور به سمتی پیش خواهد رفت که عرضه کمک‌های اجتماعی به‌طور روزافزون افزایش یافته، از تقاضای آن کاسته می‌شود. حتی ممکن است تقاضای کمک‌ها به صفر برسد. وضعیتی که برای منطقه مأموریت معاذبن جبل در یمن و بسیاری از مناطق اسلامی در زمان عمر بن عبد العزیز

اتفاق افتاد، به گونه‌ای که وجوه زکات جمع‌آوری می‌شود، ولی هیچ دریافت‌کننده‌ای برای آن پیدا نمی‌شد، به روشنی وجود این خصیصه را در الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام ثابت می‌کند.

فدا نشدن تأمین اجتماعی به پای اهداف رشد اقتصادی

در وضعیت اولیه جامعه صدر اسلام، فقرگسترده افراد در کنار پایین بودن درآمد ملی مسلمانان، دو مشکل اساسی جامعه بود که حل‌هردوی آنها برای نظام اهمیت داشت. ملاحظه سیاست‌های پیامبر اکرم ﷺ نشان می‌دهد حضرت، هیچ‌گاه این دو هدف را متضاد نمی‌دانستند و معتقد نبودند که اول باید هدف پیشرفت ملی را دنبال نمود، آن‌گاه در اثر پدیده «رخنه به پایین»، فقرا نیز از مواهب رشد بهره‌مند خواهند شد و یا اینکه فرصت رسیدگی به آنان فراهم خواهد گردید؛ بلکه برعکس معتقد بودند، رسیدگی به فقرا موجب ریزش بیشتر نعمت‌های الهی است. این کار ضمن اینکه، مشکل فقر را مرتفع می‌کند، رشد و ارتقای اقتصاد ملی را هم در پی خواهد داشت. به همین دلیل، ایشان هیچ‌گاه از مشکلات طبقه فقیر جامعه غفلت نکرده و همواره آن را در صدر اولویت‌های خود قرار می‌دادند.

برخورداری تأمین اجتماعی از کارکرد عدالت بین نسلی

تأمین اجتماعی صدر اسلام درحالی‌که نسبت به تأمین نیازهای زندگی نسل حاضر و گسترش عرضی آن به تمام آحاد جامعه حساس بود، منافع نسل‌های بعدی و ابقای ظرفیت‌های بالقوه برای برخوردارری آنها از مواهب زندگی را نیز عمیقاً مورد توجه قرار می‌داد. یکی از شواهدی که این مدعا را ثابت می‌کند، نحوه بهره‌برداری از زمین‌های خراجیه در صدر اسلام است. پس از فتح زمین‌های عراق، گروهی از صحابه مانند بلال بن رباح و عبدالرحمان بن عوف خواستار تقسیم این زمین‌ها شدند، ولی رأی خلیفه پس از رایزنی با علی علیه السلام و جمعی از بزرگان اصحاب بر این قرار گرفت که اصل و ماده این زمین‌ها، برای عموم مسلمانان حفظ و درآمد آن در منافع اسلام و مسلمانان صرف شود (شهابی، ۱۳۶۶، ص ۳۶). این حکم، که با ارشاد یا تقریر امام علی علیه السلام صادر شد، حکایت از ویژگی میان‌نسلی تخصیص منابع عمومی در صدر اسلام دارد. سنت و وقف، که به معنای حفظ اصل مال و آزاد گذاشتن استفاده از منافع آن است و همچنین استحباب ارث‌گذاری برای فرزندان و وصیت شواهد دیگری بر وجود این خصیصه می‌باشد.

فراگیری تأمین اجتماعی نسبت به اقلیت‌های مذهبی

یکی از خصوصیات برجسته الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام، فراگیری آن نسبت به تمامی اقوام و

اقلیت‌های مذهبی است که در محدوده تحت پوشش حاکمیت اسلامی زندگی می‌کردند. در میثاق‌نامه امت، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای هجرت در مدینه منوره منعقد نمود، حقوق اقلیت‌های مذهبی مانند مسیحیان و یهودیان و حتی مشرکان مدینه، مادام که علیه مسلمانان توطئه و اقدام خصمانه‌ای انجام ندهند، محترم شمرده شد و در موادی از آن، به آنها تصریح گردید. کسانی که بر اساس معاهده صلح در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کردند (اهل ذمه)، چنانچه فقیر بودند از پرداخت مالیات جزیه معاف می‌شدند و سالمندان از کارافتاده آنها، از بیت‌المال مسلمانان تأمین می‌گردیدند. امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر، او را به رحمت و ملاحظت نسبت به تمامی انسان‌ها از هر قوم و مذهبی سفارش نموده و ملاک و معیار آن را چنین فرمود: «... آنها یا برادر دینی تواند و یا در خلقت با تو همسانند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها

برنامه‌های تأمین اجتماعی صدر اسلام، در شرایطی از اوضاع اجتماعی و سیاسی مطرح گردید که جامعه مسلمانان با انواع تهدیدهای منافقان، کفار قریش و امپراطوری‌های قدرتمند مواجه بود. در این شرایط، یک الگوی تأمین اجتماعی نادرست می‌توانست به دلیل وجود فقر گسترده و عدم انسجام اجتماعی و یا وابستگی مردم به کمک‌های تأمین اجتماعی و یا شکل‌گیری انتظارات سنگین مردمی و عدم امکان برآورده شدن آنها توسط دولت و در نتیجه، بروز نارضایتی عمومی، چه با تهدیدکننده باشد. با این حال، نظام تأمین اجتماعی صدر اسلام اولاً، به دلیل خدمت صادقانه به مردم و جلب رضایت آنها، پشتوانه محکمی برای دفع تهدیدهای مقابل نظام فراهم ساخته بود و ثانیاً، پایه‌های ایمانی و سازوکار مردمی آن موجب می‌گردید که در زمان جنگ، همه امکاناتی که می‌بایست صرف رفع فقر می‌شد، به‌علاوه تمامی امکانات جانی و مالی مردم، حتی خود فقرا، در خدمت جنگ قرار گرفته و با پیروزی‌های پی‌درپی و سرازیر شدن غنایم فتوحات، پله‌های صعود امت اسلامی را یکی پس از دیگری رقم بزند و مراتب بالاتری از تأمین اجتماعی را فراهم نماید. قرآن کریم وجود رحمت و عطف نسبت به مؤمنان و مقاومت شدید در مقابل دشمنان با توکل به خداوند را دو خصیصه‌ای می‌داند که موجب شکوفایی امت رسول الله صلی الله علیه و آله بوده و خواهد بود (فتح: ۲۹).

سبک بار بودن و عدم سنگینی بر دوش دولت

نظام تأمین اجتماعی صدر اسلام، به دلایل متعددی، یک نظام سبک بار و تا حدود زیادی

خودجوش بود؛ زیرا اولاً، ارزش‌های فرهنگی حاکم بر رفتار مسلمانان و سیاست‌های پیامبر ﷺ، بخصوص در زمینه تبلیغات مصرف، به گونه‌ای نبود که بر گسترش نیاز و یا احساس نیاز در مردم دامن بزند، بلکه کاملاً در مسیر خلاف چنین جریانی بوده است. ارزش‌هایی چون زهد و قناعت، دوری از اسراف، تبذیر و اتراف و فضیلت نگاه به فرودست در تنظیم انتظارات معیشتی، همگی در جهت تعدیل انتظارات مصرفی و کاهش تقاضا برای کمک‌های تأمین اجتماعی عمل می‌کرده‌اند. ثانیاً، خوداتکایی مردم موجب کاهش تقاضا می‌گردید. ثالثاً، به دلیل وجود انگیزه‌های ایمانی قوی، عرضه‌چهره به چهره و انفرادی خدمات اجتماعی بسیار بالا بوده است. رابعاً، در موارد نیاز به حمایت، کمک‌های مردمی یکی از پایه‌های اصلی منابع این الگو بوده است که حتی در برخی شرایط، مانند سال‌های پیش از هجرت و سال‌های ابتدایی پس از آن، تنها منبع تأمین اجتماعی بوده است. بدین ترتیب، ویژگی‌های فوق موجب می‌گردید، نظام تأمین اجتماعی ضمن حضور قوی و کارآمد در صحنه، به لحاظ حجمی، دست‌کم در درازمدت، سبک‌بار و کم‌حجم باشد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، برای برون‌رفت از مشکلات تأمین اجتماعی معاصر، الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام مورد مطالعه قرار گرفت. مهم‌ترین مشخصه سازنده این الگو، مبانی بینشی و ارزشی آن بود که از میان آنها، اعتقاد به پروردگار واحد، به‌عنوان عنصر جهت‌دهنده و انسجام‌بخش همه برنامه‌ها و رفتارها و اعتقاد به روز رستاخیز و تلاش جهت رستگاری اخروی، به‌عنوان عنصر نیروبخش این الگو و نقش این دو در شکل‌دهی الگوی جدیدی از همبستگی اجتماعی، در قالب نهادهایی مانند خانواده، عشیره، اقوام و امت اسلامی مورد تأکید قرار گرفت. در این الگو، نیازهای آحاد اجتماع تحت عناوینی مانند فقرا (مساکین و ایتام)، بدهکاران، دراهماندگان، بردگان، سالمندان از کارافتاده، بیماران و در مواردی چون نیازهای فرهنگی، تهیه مسکن و تشکیل خانواده مورد حمایت جامعه قرار می‌گرفت.

اقدامات و سازوکارهای اجرایی این حمایت‌ها، از طریق سه راهبرد اصلی پی‌ریزی اقتصاد سالم و ایجاد زمینه خوداتکایی افراد، بسیج مشارکت‌های مردمی (تکافل عمومی) و تشریح نهادهای قانونی بیت‌المال به عمل می‌آمد. در نتیجه آنها وضعیت قابل‌قبولی از محو فقر در بسیاری از مقاطع زمانی و منطقه‌ای به ثبت رسید. مختصات ساختاری قابل‌تعمیم الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام عبارتند از:

جامعه‌محوری (به جای دولت‌محوری)؛ استحقاق‌گرایی (به جای عام‌گرایی)؛ منطقه‌محوری (به جای تمرکزگرایی)؛ و عدم دوگانگی میان منابع مالیاتی و منابع تأمین اجتماعی.

الگوی مزبور دارای ویژگی‌های کارکردی برجسته‌ای بود که از میان آنها بر تقدم توانمندسازی و خوداتکایی افراد بر وابستگی به کمک‌ها، فدا نشدن تأمین اجتماعی به پای اهداف رشد اقتصادی، برخورداری تأمین اجتماعی از کارکرد عدالت بین نسلی، فراگیری تأمین اجتماعی نسبت به اقلیت‌های مذهبی، توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، و سبک‌بار بودن و عدم سنگینی نظام تأمین اجتماعی بر دوش دولت تأکید گردید. با عنایت به موفقیت الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و قابلیت تعمیم مختصات و ویژگی‌های مزبور به شرایط جوامع کنونی، انتظار می‌رود بهره‌گیری از در طراحی الگوهای جدید تأمین اجتماعی به برون‌رفت از مشکلات موجود کمک کند.

منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن محمد (۱۳۸۷ق)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت، دارالحیاء التراث. ابن زنجویه، حمید (۴۰۶ق)، *الاموال*، ریاض، الدراسات الاسلامیه.
- ابن شبه، نمیری بصری (۱۳۸)، *تاریخ المدینه المنوره*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، *مکاتیب الرسول*، تهران، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۹)، *معیارهای عدالت در منابع و مصارف بیت‌المال*، در: مجموعه مقالات دومین همایش مالیات‌های اسلامی، جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها، دانشگاه مفید.
- (۱۳۸۶)، *سیره اقتصادی امام علی (ع)*، چ پنجم، تهران، کانون اندیشه جوان.
- حسینی، سیدمجتبی (۱۳۷۸)، *تاریخچه سیاسی اقتصادی صدر اسلام*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- دارمی، عبد‌الله بن عبدالرحمن (۱۴۱۲ق) *سنن الدارمی*، تحقیق مصطفی دیب‌البغا، بیروت، دارالقلم.
- سیریل، الگود (۱۳۷۱)، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه باهر فرقانی، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- شهابی، محمود (۱۳۶۶)، *ادوار فقه*، چ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صاحب‌فصول، مرتضی (۱۳۸۲)، *شکاف طبقاتی توزیع مجدد ثروت و ربیافت‌های قرآنی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره.

- صدر، سیدکاظم (۱۳۸۷)، *اقتصاد صدر اسلام*، چ دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- طالب، مهدی (۱۳۳۸)، *تأمین اجتماعی*، مشهد، بنیاد فرهنگی آستان قدس رضوی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۱۸ق)، *مشکاه الانوار فی غرر الاحیاء*، قم، دارالحدیث.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۱ق)، *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*، بیروت، دارالتعارف.
- عسقلانی، ابن حجر، (بی‌تا)، *فتح الباری*، چ دوم، بیروت، دارالمعرفه للطباعه والنشر.
- قابل، احمد (۱۳۸۳)، *اسلام و تأمین اجتماعی*، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۰)، *نقش ارزش‌ها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی*، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران، احسان.
- کنانی، عبدالحی (۱۳۸۴)، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگزلو، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۹)، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چ دوم، بیروت، دارصعب و دارالتعارف.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدری شهری، محمد (۱۴۲۱ق)، *موسوعه الامام علی‌بن ابی‌طالب فی کتاب السنه*، بمساعدة محمدکاظم طباطبایی و محمود طباطبایی، قم، دارالحدیث.

- (۱۳۸۶)، *التنمیة الاقتصادية فی کتاب السنه*، بمساعدة سید رضا حسینی، قم، دارالحدیث.
- (۱۴۱۶ق)، *میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.
- متظری، حسنعلی (۱۴۱۳ق)، *الاحکام الشریعه*، قم، تفکر.
- منقری، نصرین مزاحم (۱۳۸۲ق)، *وقعه صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، چ دوم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- موسوی، سیده‌زینب (۱۳۹۱)، *دولت رفاه*، <http://www.refahejtemaee.blogfa.com>، داندو ۱۰/۰۵/۱۳۹۱.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۶ق)، چ پنجم، تهران، منشورات مکتبه اعتماد الکاظمی.
- مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی (۱۳۸۷)، *خلاصه گزارش نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی*، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.